

< هو الحکیم >

عنوان:

چرا خداوند جلوی ظلم را نمی گیرد؟!



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

حالا جمعی به جمع دیگری ظلم می‌کنند؛ مثلاً فرض کنید یک زنی باردار هست، یک نفر آدم ظالم به او لگد می‌زند! و جنین این زن آسیب می‌بیند!

یا داریم گاهی وقت‌ها سهواً هم شده در تصادفات که نگاه می‌کنیم یک بچه‌ی سالم تا آخر عمر بینایی‌اش را از دست داده به خاطر ضربه‌ای که خورده! یا بچه مفلوج شده! یا اتفاقات دیگری برایش افتاده. حالا چه عمدی چه سهوی! بالاخره بنا نیست که جلوی آن گرفته شود؛ زیرا پروژه، پروژه‌ی مختارانه‌ای هست!

این‌ها را قرار داده، راه و چاه هم نشان داده! گاهی وقت‌ها به سهو، گاهی وقت‌ها به عمد، ظلم‌هایی به همدیگر صورت می‌گیرد! اتفاقاتی می‌افتد!

مثلاً در روایات ما گفتند اینکه یک نفر شراب بخورد و در حالت میگساری مثلاً بخواهد انعقاد نطفه کند، این‌ها بالاخره آسیب می‌رساند!

این‌ها هم گزارش داده شده، نه اینکه نگفته باشند! همه‌ی این‌ها گفته شده! ولی طرف عمل نمی‌کند؛ عمل نمی‌کند و این اتفاقات می‌افتد!

یا گفتند مثلاً در یک وقت‌های خاصی اگر چنانچه شما بخواهید انعقاد نطفه کنید، آفتی به آن بچه می‌رسد!

داریم در روایات؛ مرحوم علامه مجلسی در «حلیة المتقین» در کتاب «سراج‌الشیعه» هم مرحوم علامه مامقانی این‌ها را آورده‌اند، روایاتی داریم در این خصوص؛ حالا یک نفر شنیده، گوش نمی‌دهد!

این کار را عمل نمی‌کند و بچه ناقص به وجود می‌آید! به هر حال گاهی مشکلات برای مادر یا برای بچه به وجود می‌آید، اون خودش رعایت نکرده!

مثل این می‌ماند که گفتند زهر نخور، طرف زهر می‌خورد! زهر می‌خورد، و به بدنش آسیب می‌رساند بیمار می‌شود! خیلی متداولش این است که سیگار نکش! می‌گویند کیف می‌دهد! حالا خدا کند به همین سیگار ختم شود! کم‌کم می‌بیند کیفش رفت، چیزهای دیگری را می‌خواهد استفاده کند! چون کیف می‌دهد!

کیف می‌کنی بعداً ابتلای تو به سرطان ریه بیشتر هست نسبت به آدم سالم!

از لحاظ آماری گفتند کسانی که سیگاری هستند ابتلایشان به سرطان بیشتر هست.

یا مشکلات تنفسی و ریوی برای این به وجود می‌آید. حالا آیا می‌توانی به خدا اشکال بگیری؟! خودت که می‌دانستی آسیب می‌رساند علم هم گفته، تو چرا این کار را کردی؟! چرا ضرر به خودت رساندی؟! خودت با دست خودت این کار را کردی! بسیاری از مشکلات را که در نظر بگیریم، خود انسان با دست خودش بلایی سر خودش آورده!

من مراجعه‌کننده در این مسائل ازدواج هم گاهی اوقات دارم. وقتی با آن‌ها صحبت می‌کنم، می‌بینم این‌ها اصلاً دو عالم متفاوتند! خانواده‌هایشان هم دو عالم متفاوت هستند! می‌پرسم برای چی می‌خواهید ازدواج کنید?!

می‌گویند ما عاشق هم شدیم!

بعد که در جلسه‌ی خصوصی مشاوره می‌پرسم حالا که عاشق هم

شدید حاضری از فلان مسأله کوتاه بیایی؟

می‌گوید نه! ولی الان چیزی نمی‌گویم از دستش می‌دهم!

می‌گویم الان این عشق فروکش می‌کند بعداً با هم چی کار

می‌خواهید بکنید؟!

نه خانواده‌ها با هم سازگاری دارند، نه از لحاظ اعتقادی کفویتی

بین شماها هست، چی کار می‌کنید؟!

احساسی برخورد می‌کنند! چی کار می‌کنند؟! بعداً دو تا بچه هم

می‌آوردند، آن بچه‌ها هم سرگردان! این‌ها هم سرگردان! تو دادگاه،

تو پله‌های دادگاه! و این بچه‌ها هم بنده‌های خدا بعداً مشکلاتی

برایشان به وجود می‌آید!

خب دقت نکرده! یک سری مشکلات را خود افراد به وجود آوردند!

یک قسمت هست ممکن است سهو باشد، مشکلی نباشد. مثل

اینکه گفتم طرف متوجه نیست، حواسش پرت می‌شود با

ماشینش به یک خانمی می‌زند، این بچه آسیب می‌بیند!

یا این دختر و پسر فکر می‌کنند به درد هم می‌خورند، جهات

ضوابط عقلی هم پیش می‌روند، بعداً می‌بینند نه! اصلاً این‌ها با

هم کفویتی ندارند! آن اصلاً بحث دیگری هست؛ حالا چه عمدی چه

سهوی، بالاخره خود انسان کاری را انجام می‌دهد.

اگر چنانچه سهوی باشد تقصیری نداشته باشد، تمام این سختی‌ها را خداوند اجر و پاداش می‌دهد؛ اگر چنانچه عمد باشد، می‌دانسته مشکل هست، با دست خودش خودش را به فلاکت انداخته است. بالاخره آن کسی که سم خورده، دستگاه گوارشش را خراب کرده، این دیگر خودش مقصر هست!
حالا بله، اگر توبه بکند، سختی‌هایش هم باز خداوند پاداش به او پاداش می‌دهد.

قسمت دیگر این‌ها امتحان هست!
ببینید موجود مختار باید امتحان شود!
حالا پدر و مادر رعایت نکردند، یک بچه‌ی ناقص به وجود آوردند، قانون طبیعت را رعایت نکردند، این بچه ناقص و کور به دنیا اومده، خداوند نسبت به چشم‌هایش دیگر این را مؤاخذه نمی‌کند!
و نسبت به این سختی‌هایی که این بچه دارد تا وقتی بزرگ می‌شود معلول هست، ناقص هست، خداوند اجر و پاداش افزون نسبت به آدم سالم بهش عطا می‌کند!
خیلی خداوند به این‌هایی که امکانات کمتر می‌دهد، ترحم دارد!
ترحمش نسبت به این‌ها، حسابرسی‌اش نسبت به این‌ها خیلی سبک‌تر هست تا یک آدم سالم!

لذا فرمودند که مثلاً اگر یک بلایی سرت بیاید، یک بیماری بگیری، مؤمن هم باشی، فرمودند که خداوند به ملائکه می‌گوید ای ملائکه‌ی من! اگر این سالم بود، بهترین کاری که می‌خواست انجام بدهد چه کاری بود؟

می‌گفتند این کار را در حد وجودی‌اش و معنوی‌اش انجام می‌داد! می‌گوید در مدت بیماری‌اش همه‌ی این عمل خوب را در پرونده‌ی عملش بنویسید!

یعنی این بیماری بالاخره در ظاهر نگاه می‌کنی یک چیز بدی هست، اما خداوند جبران می‌کند!

حالا همین بیماری و فشارهایی که هست آدم را صبور می‌کند. این بیماری باعث می‌شود یک مدت بیمار باشد قدر سلامتی را بداند، شکرگزار خدا باشد، دیگر از اعضا و جوارحش درست استفاده بکند!

قدر عمر و سلامتی‌اش را بهتر بداند، قوه‌ی صبرش را بالا ببرد! گاهی وقت‌ها این‌هایی که زیاد سختی می‌کشند، به جهات مختلف صبورتر هستند و این‌هایی که صبورتر هستند، ایمان‌شان تکمیل‌تر هست.

در روایتی فرمودند نسبت صبر به بدن به مانند سر به بدن هست!

چطور اگر یک بدنی سر نداشته باشد، هیچی ندارد! فرمودند اگر کسی صبر نداشته باشد، ایمان ندارد!

گاهی وقت‌ها قوه‌ی صبر را بالا می‌برد. درست است که کسی دیگری به تو ظلم کرده، اما خداوند جبران‌ش می‌کند! و این‌ها امتحان می‌شوند؛ به همین‌ها بیماری می‌دهد، در این بیماری که اتفاق می‌افتد، در این ناراحتی قلبی هست، دل درد و دستگاه گوارشش که هست، یکی شاکر هست، یکی کفر می‌گوید! به همین امتحان می‌شود!

بناست که امتحان بشود؛ این پروژه، پروژه‌ای هست که باید امتحان شود!

یا گاهی اوقات برای افرادی این‌ها ترفیع درجه است! یعنی یک مشکل را می‌دهد، یک مشکل جسمانی را در ارتباط با شما می‌دهد، شما واقعاً مقصر نیستی، در پرتوی سختی‌هایی که می‌کشی درجات بالا می‌رود. آدم بدی نیستی، ترفیع درجه پیدا می‌کنی!

نسبت به حضرات معصومین علیهم‌السلام، ترفیع درجه بوده، امتحان هم بوده. ولی امتحان را قطعاً سربلند بیرون می‌آمدند، ترفیع درجه بوده. فرمودند به ازای شهادت کلیه‌ای که در مورد امام حسین علیه‌السلام بود، چنین امتیازاتی به امام حسین علیه‌السلام داده شد.

قسمتی از این‌ها هم ترفیع درجه هست. پس این‌ها هر کدام متفاوت است؛ «امتحان» می‌تواند باشد، «ترفیع درجه» می‌تواند باشد. متفاوت این‌ها را می‌توانیم در نظر بگیریم.

تمام حرف این است که اگر چنانچه ما توجه به عالم پس از مرگ داشته باشیم، این سری مشکلاتی که ولو اینکه ما مقصر نیستیم کسانی دیگر برای ما به وجود آوردند، اینها ظلم به خداوند مطرح نمی‌شود، خداوند می‌توانسته جلوییش را بگیره، نگرفته! اما جهان پس از مرگ هم توجه داشته باشد، خداوند جای دیگری جبران می‌کند!

این جا به تو ظلم کردند، نتوانستی حقت هم بگیری، سکوت کردی، اذیت شدی، ولی جای دیگری جبران می‌کند! و در روایات ما عجیب آمده اینهایی که خدا جبرانش را در آن دنیا می‌گذارد، بنده‌ها می‌گویند کاش خدایا همه را می‌گذاشتی آن دنیا!

چقدر اجر و پاداش نسبت به کمبودهایی که به ظاهر داشتیم، به من آن جا دادی! و امتحان‌های من را سبک‌تر گرفتی! و به خاطر این مشکلات به من ترفیع درجه دادی! گسترش دادی! کمال من را بالا بردی!

لذا این مطالبی که گفتم بسیار مؤثر هست که در فرمایشات معصومین علیهم‌السلام به اینها اشاره شده.

لذا در این حکمت خوابیده.

اتفاقاً با همین سختی‌ها قرار است به تکامل برسیم! ببینید انبیاء بالاترین سختی‌ها را چشیدند! خداوند می‌توانست یک دنیایی خلق بکند که اصلاً هیچ کسی سختی نبیند؟! بله! خداوند بهشت را خلق کرد، اما این جا را قرار داده، مدلش همین است!

اصلاً ترفیع درجه بدون سختی نمی شود!

امتحان بدون سختی نمی شود!

تکامل بدون سختی نمی شود!

در یک روایتی فرمودند اگر یک مؤمن اصلاً از اجتماع و مردم فرار بکند و بگوید ما فرار می کنیم تا اصلاً هیچ کسی به ما آسیب نزند، برود تو کوه! خدا یک ماری را می فرستد تا این را نیش بزند، اون جا زجر بکشد!

مدلش همین است! بنا هست آدمیزاد این طوری بار بیاید. منتهی این خیلی مهم است که در سختی تقرب به خدا پیدا بکنی! اگر در سختی داری از خدا دور می شوی، باید فکری به حال خودت بکنی! سختی ای مناسب هست که تو را به خدا نزدیک کند! سختی ای مناسب است که از ته دل بگویی یا الله! نه اینکه بگویی نماز هم دیگر نمی خوانم! این طوری نباشد! شادی ای خوب است که تقربت را به خدا زیاد کند! شادی ای که تو را غافل از خدا کند، فایده ندارد! خوشی که تو را غافل از خدا بکند فایده ندارد. این ها همه وسیله هست!

شادی تو را به خدا نزدیک کند، خوب است!

مریضی تو را به خدا نزدیک کند، خوب است!

فقر! بی پولی اگر تو را به خدا نزدیک کند، خوب است!

پولداری اگر تو را به خدا نزدیک کند خوب است! وقتی پولدار شوی،

توجهت فرض بکن به خدا بیشتر بشود، به افراد می رسی، این

پولداری خوب است!

ولی اگر این طوری باشد که اصلاً غرق شوی در مسائل دیگری و خدا را

فراموش بکنی، این پول بد هست!

این شهرت بد هست!

این قدرت بد هست!

این علم! علم اگر برای تو حجاب باشد، آفت هست!
اگر علم تو را به خدا نزدیک کند، توجّهت را به خدا افزون کند،
خیر هست!

خیلی مطالب دقیقی در فرمایشات معصومین علیهم السلام و
آیات قرآن اشاره شده و این‌ها را باید مدنظر قرار بدیم برای اینکه
این بحث‌ها را بخوایم ورود پیدا بکنیم؛ حداقل یک شبهه برای
دیندار بتوانیم حل بکنیم با توجه به این مسائل.

چقدر خداوند بنا به حکمتش، این نواقص را قرار داده به
حکمتش، بله! واسطه‌ها هم این وسط مقصر هستند! ولی بحث
سر این است که خدایا تو مختار قرار دادی!

بله! بنا به این پروژّه باید مختار باشد،

اما یک عده سوءاختیار، سوءاراده به یک عده‌ی دیگری جنایت
انجام می‌دهند و ظلم می‌کنند!

خدایا چرا جلوی این‌ها را نمی‌گیری؟!

بنا نیست بگیرم! اما تمام این‌ها را من جبران می‌کنم!

آن کسی که جنایت کرده، توبیخش می‌کنم، به میزانی هم که به
شماها ظلم شده، آن قدر جبران می‌کنم که کأنه می‌گفتی کاش که
در این دنیا مادام من در سختی و فشار و ظلم و استرس بودم!

عدل الهی را با توجه به همه‌ی این مسائل کنار هم بگذاریم،

آن پازل خودش را نشان می‌دهد.